

وارسی کیفی عوامل مؤثر بر حرمت خود کودکان ایرانی

Qualitative Analysis of the Factors Affecting Self-Esteem of Iranian Children

Fatemeh Ebrahimi
PhD Candidate in Psychology
Trabiat Modares University

Kazem Rasoulzadeh
Tabatabai, PhD
Tarbiat Modares University

کاظم رسولزاده طباطبایی*
استادیار گروه روان شناسی
و علوم تربیتی
دانشگاه تربیت مدرس

فاطمه ابراهیمی
دانشجوی دکتری روان شناسی
دانشگاه تربیت مدرس

Saeed Ghanbari, PhD
Shahid Beheshti University

Karineh Tahasian, PhD
Shahid Beheshti University

کارینه طهاسیان
استادیار گروه روان شناسی
و علوم تربیتی
دانشگاه شهید بهشتی

سعید قنبری
استادیار گروه روان شناسی
و علوم تربیتی
دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

هدف این پژوهش وارسی کیفی مؤلفه‌های مؤثر بر حرمت خود در کودکان ایرانی بود. به منظور دستیابی به این هدف از دو گروه نمونه متخصصان روان شناس کودک و والدین استفاده شد. این دو گروه به صورت جداگانه مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفته و پس از مکتوب ساختن این مصاحبه‌ها، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، کدهای باز، طبقات و درون‌مایه‌های مورد نظر استخراج شد. در نهایت به منظور سنجش استحکام این داده‌ها روایی محتوایی آن‌ها با روش دلفی محاسبه شد و نسبت روایی محتوایی برای هر طبقه به دست آمد. نتایج نشان داد عوامل مؤثر بر حرمت خود کودکان در سه درون‌مایه میراث خویشتن، میراث رابطه و میراث نظام جای می‌گیرد. منظور از میراث خویشتن، عوامل شخصیتی و سرشتی، منظور از رابطه، ابعاد ارتباط والد کودک و منظور از نظام، عوامل محیطی است که نظام کودک را در بر می‌گیرد. تمام طبقات این سه درون‌مایه به جز طبقه اختلال‌های همراه در درون‌مایه میراث خویشتن توانستند حداقل روایی محتوایی مورد نظر را کسب کنند. فهم عوامل مؤثر بر سازه حرمت خود می‌تواند امکان مداخله مؤثرتر بر این سازه فراتشخیصی را فراهم و بهبود سلامت روانی کودکان را میسر سازد.

واژه‌های کلیدی: حرمت خود، اواسط کودکی، تحلیل کیفی

Abstract

This study aimed to analyze the factors affecting self-esteem of Iranian children. To achieve this goal, two sample groups were used, which included child psychologists and parents. The two groups were interviewed in a semi-structured interview and, after writing these interviews, open codes, classes and themes were extracted using qualitative content analysis method. Finally, in order to measure the Data strength, their content validity was calculated by Delphi method and CVR rate was obtained for each class. The results showed that the factors affecting children's self-esteem fall into three themes: Self-inheritance, relationship inheritance and system inheritance. Self-inheritance refers to personality and temperament factors, relationship means the dimensions of the child's parental relationship, and the system refers to environmental factors that include the child's system. All classes of these three themes, except for the class of accompanying disorders, in the theme of self-inheritance, were able to obtain at least the Minimum content validity. Understanding the factors affecting children's self-esteem can enable more effective intervention on this transdiagnostic structure and improve children's mental health.

Keywords: self-esteem, middle childhood, qualitative analysis

received: 04 May 2020

accepted: 29 June 2020

Contact information: ravanhonar@gmail.com

دریافت: ۹۹/۰۲/۱۵

پذیرش: ۹۹/۰۴/۰۹

این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته روان شناسی است.

مقدمه

با گسترش دیدگاه فراتشخیص^۱ در روان‌شناسی، پژوهشگران در جست‌وجوی سازه‌هایی بوده‌اند که هسته مشترک بسیاری از اختلال‌های روان‌شناختی هستند. سازه حرمت خود^۲ یکی از این سازه‌هاست که کاهش آن با بسیاری از اختلال‌های دوران کودکی و نوجوانی همراه است (کیان و لودس، ۲۰۱۶). حرمت خود اشاره به ارزیابی ذهنی فرد از ارزش خودش به‌مثابه یک فرد دارد (دونلان، ترزنسویسکی و رایبیز، ۲۰۱۱) و لزوماً منعکس‌کننده استعدادها و توانایی‌های فردی نیست یا حتی نماینده اینکه شخص چطور توسط دیگران ارزیابی می‌شود، هم نیست. بلکه حرمت خود دربرگیرنده احساس پذیرش خود^۳ و احترام به خود^۴ در مقایسه با خودخواهی بیش‌ازحد^۵ و خوددوستداری^۶ است (آکرمن و دیگران، ۲۰۱۱).

اهمیت حرمت خود در طول عمر امری مهم است زیرا پژوهش‌ها نشان می‌دهد حرمت خود در زندگی افراد نقش اساسی دارد (اورث و رایبیز، ۲۰۱۹). پژوهش‌های آینده‌نگر^۷ مطرح کرده‌اند حرمت خود بر موفقیت و رفاه^۸ کودکان در قلمرو روابط اجتماعی، مسائل مربوط به مدرسه و تحصیل، مسائل مرتبط با کار، سلامت جسمانی و سلامت روانی تأثیر می‌گذارد (اورث و رایبیز، ۲۰۱۹). چندین پژوهش طولی برای بررسی آثار حرمت خود در طول زندگی انجام شده است (اورث، رایبیز و ویدامن، ۲۰۱۲؛ کاستر، اورث و اشمیت، ۲۰۰۹؛ مارشال، پارکر، سیاروچی و هیون، ۲۰۱۴). نتایج این پژوهش‌ها شواهد نیرومند فراهم کرده‌اند که مؤید آن است حرمت خود پیش‌بینی‌کننده موفقیت و بهزیستی^۹ در جنبه‌های مختلف زندگی، حتی بعد از رسیدن به سطوح اولیه موفقیت است. این طرح‌های طولی^{۱۰} نشان داده است حرمت خود به‌عنوان پیش‌بین و نه پیامد موفقیت‌های زندگی است.

با وجود اهمیت حرمت خود در سلامت جسمانی و روانی و بهزیستی کودک، شواهد تجربی مبین افت آن در اواسط دوران

کودکی است. هارتر (۲۰۰۶، ۲۰۱۲) فرایندهایی را شناسایی کرده است که می‌تواند باعث کاهش حرمت خود از اوایل کودکی تا اواسط کودکی (یعنی از حدود ۴ تا ۸ سالگی) شود. وی اعتقاد دارد اگرچه کودکان به پیشرفت‌های اجتماعی-شناختی مهمی در طول این دوره نایل می‌شوند، اما پیشرفت زیاد می‌تواند حرمت خود کودکان را به خطر بیندازد یا مسئولیت‌هایی برایشان ایجاد کند (هارتر، ۲۰۰۶، ۲۰۱۲). برای مثال، کودکان ۴ ساله هنوز قادر به تمایز صلاحیت‌های واقعی^{۱۱} و آرمانی^{۱۲} خود نیستند. وقتی با کودکان در این سن در مورد برداشتشان از خویشان مصاحبه می‌شود، خود آرمانی^{۱۳} را به جای خود واقعی توصیف می‌کنند (هارتر، ۲۰۰۶). بعداً، وقتی کودکان یاد می‌گیرند که ویژگی‌های واقعی و آرمانی‌شان را متمایز کنند، این فرایند به کاهش توصیف‌های مثبت در مورد خود منجر می‌شود. افزون بر آن، کودکان خردسال توانایی استفاده از اطلاعات مقایسه اجتماعی^{۱۴} در خودارزیابی را ندارند، اما در اواسط دوران کودکی بر این محدودیت شناختی غلبه می‌کنند، که این امر می‌تواند به کاهش حرمت خود منجر شود (هارتر، ۲۰۰۶ الف). از اواسط دوران کودکی نیز برداشت کودکان در مورد خود به‌شدت زیر نفوذ نحوه ادراک خود از سوی دیگران قرار می‌گیرد. از آنجاکه برخی افرادی که با کودکان تعامل می‌کنند، آن‌ها را مثبت نمی‌بینند، بسیاری از کودکان سطوح پایین حرمت خود را تجربه خواهند کرد (هارتر، ۲۰۰۶ الف). این دغدغه هارتر (۲۰۰۶ ج) با دغدغه‌های تحولی بسیاری از نظریه‌پردازان مانند اریکسون (۱۹۶۸) که بحران این مرحله تحولی را سازندگی در برابر کهتری^{۱۵} و دستاورد آن را احساس صلاحیت^{۱۶} می‌داند، همسو است؛ گویی که کودکان مستعد افت حرمت خود در این مرحله تحولی هستند.

با توجه به اهمیت این سازه از یک سو و تغییرات آن در اواسط کودکی از سوی دیگر، نیاز به شناخت عوامل مؤثر بر کاهش یا ارتقای آن در کودکی عمیقاً احساس می‌شود. به‌منظور یافتن عوامل مؤثر، اورث و رایبیز (۲۰۱۹) با انجام فراتحلیلی وسیع

1. trans-diagnostic
2. self esteem
3. accept yourself
4. respect yourself
5. high selfishness
6. narcissism

7. futuristic
8. welfare
9. well-being
10. longitudinal design
11. real competence
12. ideal competence

13. ideal self
14. social comparison
15. industry vs. inferiority
16. competency

دلبستگی اجتنابی ارتباط دارد و عطاران و محمدی (۲۰۱۸) نشان داده‌اند دلبستگی به مادر و همسالان به‌طور مستقیم توانایی پیش‌بینی حرمت خود را دارد.

صرف‌نظر از رابطه نزدیک والد-فرزند، عوامل دیگری در محیط خانه مانند خلق والدین و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و میزان حمایتی که اعضای خانواده از یکدیگر دارند، نیز روی حرمت خود مؤثر است (اورث، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸؛ بروملمن و دیگران، ۲۰۱۵؛ کراس و اورث و رایبیز، ۲۰۱۹). در بافت ارتباطات علاوه بر خانواده، همسالان نیز بر حرمت خود اثرگذار هستند (گروئنفلدر-استایگر، هریس و فند، ۲۰۱۶؛ واگنر، لودتکه، رایبیزچ و تراتوین، ۲۰۱۸).

پژوهش‌های دیگر نیز بدون نادیده انگاشتن آثار تجربه‌های اولیه، به چارچوب‌های شناختی و فراشناختی اشاره کرده‌اند که تحت تأثیر این تجربه‌ها شکل می‌گیرد و فرد از طریق آن چارچوب‌ها به خود می‌نگرد. یافته‌ها مؤید این نکته است که افراد مبتلا به بسیاری از اختلال‌های روان‌شناختی نگاهی منفی به خود دارند که ریشه در باورهای غیرمنطقی^۴ آن‌ها درباره خود و دیگران دارد (برای مثال موسکوویتچ و دیگران، ۲۰۱۳). افراد تمایل دارند باورهای نامشروطی^۵ درباره خودشان داشته باشند (برای مثال من خسته‌کننده هستم) (موسکوویتچ و دیگران، ۲۰۱۳) و گستره وسیعی از طحرواره‌هایی^۶ را گزارش کنند که به ادراک خود به‌عنوان فردی شکست‌خورده و از نظر اجتماعی ناقص، نخواستنی و دوست نداشتنی و منزوی برمی‌شود (کالوت، اورث و هانکین، ۲۰۱۵؛ گلزلز-دایز، کالوت، رایسکیند و اوروئه، ۲۰۱۵). کلوینسکی، مارینو، نیک‌سویک و اسپادا (۲۰۱۹) با ارائه مدلی فراشناختی^۷ از حرمت خود بدین نتیجه رسیده‌اند نشخوار ذهنی^۸ خودانتقادگرانه^۹ و فراشناخت‌های منفی مرتبط با آن حرمت خود را پیش‌بینی می‌کنند. برخی از پژوهش‌ها نیز عوامل اساسی مانند ژنتیک را مطرح کرده‌اند که با افزایش آسیب‌پذیری فرد موجب کاهش حرمت خود می‌شود (نیس، سدی کیدس و استونسون، ۲۰۰۷).

آنچه پیشتر بیان شد، عمدتاً به فرهنگی جز فرهنگ کشور ایران اشاره دارد، اما این سازه به‌شدت به فرهنگ وابسته است؛ برای مثال مارگو، اوتسج، دریسکامپر و واگنر (۲۰۱۹) بر این باورند

دریافتند مجموعه‌ای از عوامل احتمالی تأثیرگذار بر حرمت خود کودکان و بزرگسالان عبارتند از: (الف) جنسیت و فرهنگ، (ب) روابط صمیمی و اجتماعی، (ج) وضعیت اجتماعی-اقتصادی، (د) موفقیت در کار، (ه) رویدادهای تنیدگی‌زای زندگی، و (ج) زمینه فرهنگی. علاوه بر این عوامل، با مروری اختصاصی‌تر بر پیشینه پژوهشی مشخص شد این عوامل در چند مقوله جای می‌گیرند. برخی از پژوهش‌ها به عوامل ژنتیکی و خلق‌وخویی اشاره دارند که کودک با آن متولد می‌شود (رایبیز، دونلان، ویدامان و کانگر، ۲۰۱۰) و برخی دیگر اذعان داشته‌اند خلق‌وخوی کودک سبب فراخوانش رفتارهایی در والد می‌شود که بر حرمت خود او تأثیر می‌گذارد (تاکاکس، اسمولیک، کازمیرکساز و پوتنام، ۲۰۲۰).

دسته دیگری از پژوهش‌ها به روابط والد-فرزند و نقش آن در شکل‌گیری حرمت خود اشاره کرده‌اند. بسیاری از پژوهشگران معتقدند مهم‌ترین عامل مؤثر بر سطح حرمت خود کودکان، والدین آن‌ها هستند. این امر تا حدی به دلیل وراثت ژنتیکی و تا حدودی از طریق درجه عشق، نگرانی، پذیرش و علاقه‌ای است که به فرزندان خود نشان می‌دهند. فراتحلیل پین‌کوارت و گرگ (۲۰۱۹) نیز بین سبک‌های والدگری^۱ و حرمت خود رابطه معناداری را گزارش کردند. همچنین به نقش دلبستگی والد-کودک (بالبی، ۱۹۶۹) در شکل‌گیری حرمت خود اشاره شده است. کودک در بافت رابطه با منبع دلبستگی خود، مدل‌های کاری درونی^۲ تشکیل می‌دهد که نمایانگر تصویری است که کودک از خود، دیگران و جهان پیرامون شکل می‌دهد و بخشی از این مدل کاری موجبات چگونگی نگرستن به خود را فراهم می‌کند (اورث و رایبیز، ۲۰۱۹). در بافت نظریه‌هایی مانند تعاملی‌نگری نمادین^۳ نیز به نقش ارتباط والد-کودک صحنه گذاشته شده است (کولی، ۱۹۰۲؛ مید، ۱۹۳۴). در مجموع، این دیدگاه‌ها حاکی از آن است که حرمت خود از طریق فرایندهای ارتباطی که برای اولین بار در کودکی رخ می‌دهد، شکل می‌گیرد، اما در طول زندگی پایدار است (هریس، دونلان، مک‌آدام، گارنیر ویلاریل و ترزنیوسکی، ۲۰۱۷). پژوهش صیادپور (۲۰۰۷) نیز نشان داده است حرمت خود به‌صورت مثبت با سبک دلبستگی ایمن و به‌صورت منفی با سبک

1. parenting styles
2. internal working model
3. symbolic interactionism

4. irrational beliefs
5. unconditional beliefs
6. scheme

7. metacognition
8. rumination
9. self-critical

پژوهش علاوه بر فنون مورد نظر لینکلن و گوبا (۱۹۸۶) که شامل چهار معیار اعتمادپذیری^۴، اتکاپذیری^۵، تأییدپذیری^۶ و انتقالپذیری^۷ است، با ارسال یافته‌ها و فرم نظرسنجی در مورد ضرورت وجود هر طبقه برای درون‌مایه‌های مورد نظر با روش دلفی، نسبت روایی محتوایی^۸ محاسبه شود.

جامعه آماری متشکل از دو گروه متخصصان روان‌شناس کودک و والدین دارای کودک ۵ تا ۹ سال شهر اصفهان بود و به تبع آن نمونه و نمونه‌برداری در این پژوهش متشکل از دو بخش بود. اطلاعات جمعیت‌شناختی گروه‌های نمونه به اختصار در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱

اطلاعات جمعیت‌شناختی متخصصان روان‌شناسی کودک و والدین کودکان

گروه نمونه	جنس		درصد		SD	M
	تعداد		مرد			
	زن	مرد	زن	مرد		
متخصصان	۹	۳	۰/۷۵	۰/۲۵	۱۰/۱۰	۳۷/۵۰
والدین	۱۸	۱۲	۰/۶۰	۰/۴۰	۹/۸۶	۳۹

نمونه‌برداری این پژوهش به شرح زیر انجام شد:

۱) متخصصان روان‌شناسی کودک شهر اصفهان: ابتدا اساتید دانشگاه‌های اصفهان که به حیطة روان‌شناسی کودک علاقه‌مند بودند و در این زمینه به تدریس و پژوهش اشتغال داشتند و درمانگران و مشاورانی که با کودکان و خانواده‌های آن‌ها برای رفع مشکلات مربوط به کودکان کار می‌کردند، شناسایی شدند. سپس به‌صورت تلفنی یا از طریق ایمیل از آن‌ها درخواست شد تا در جلسه حضوری شرکت کنند. درنهایت ۱۲ نفر به این درخواست پاسخ مثبت دادند؛ بنابراین نمونه پژوهش به‌صورت داوطلب و در دسترس انتخاب شد. این نمونه‌برداری تا مرحله اشباع یعنی تا زمانی که اطلاعات جدیدی در جریان سه مصاحبه پایانی به‌دست نیامد، ادامه یافت. تقریباً در مصاحبه با متخصص هشتم این اشباع صورت گرفت، با این حال نتیجه مصاحبه هر ۱۲ متخصص نیز

حرمت خود نمی‌تواند در تمام جهان به یک شکل و متأثر از عوامل مشابهی باشد و تعمیم یافته‌های یک جمعیت به جمعیت دیگر می‌تواند نادرست باشد. بنابراین بررسی تفاوت‌های فرهنگی در سطح حرمت خود ضروری و در عین حال حلقه مفقوده بسیاری از پژوهش‌هاست. بررسی شکل‌گیری حرمت خود بر اساس متغیرهای زمینه‌ای مانند فرهنگ می‌تواند راهبردی مفید برای درک بهتر تفاوت‌های فردی در حرمت خود باشد. در همین راستا در پژوهشی با استفاده از داده‌های نزدیک به یک میلیون بزرگسال از سراسر جهان از جمله آلمان و هلند، نشان داده است در بین کشورها از نظر سطح متوسط و مسیر تحولی حرمت خود تفاوت وجود دارد (بالایدورن و دیگران، ۲۰۱۶). اورث، ارول و لوسیانو (۲۰۱۸) نیز این نکته را خاطر نشان ساخته‌اند عواملی مانند فرهنگ و اثر تعدیل‌کنندگی آن که موجب ایجاد تفاوت‌های فردی در تحول حرمت خود در طول زندگی می‌شود لازم است بیشتر مورد بررسی قرار گیرند. به همین منظور و با توجه به عدم انجام پژوهشی جامع در فرهنگ ایران، هدف این پژوهش واریسی کیفی مؤلفه‌های مؤثر بر حرمت خود کودکان در فرهنگ ایران است.

روش

روش این پژوهش کیفی و از دو روش تحلیل محتوا^۱ و دلفی^۲ استفاده شده است. در این پژوهش برای استخراج موضوع‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حرمت خود کودکان ایرانی تحلیل محتوا انجام شد. برای دسترسی به این هدف، در گام اول پرسش‌های بازپاسخی تدوین شد و این پرسش‌ها در قالب مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۳ روی گروه نمونه اجرا شد. در این گام با توجه مصاحبه‌شوندگان به اصل رازداری، مصاحبه‌ها برای تحلیل‌های بعدی ضبط شد. به‌منظور اطمینان از استحکام و اعتبار یافته‌های حاصل، از روش دلفی استفاده شد. روش دلفی فرایندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش و نظر گروهی از کارشناسان و متخصصان است که از طریق توزیع پرسشنامه‌هایی در بین این افراد و پس‌خوراند کنترل‌شده پاسخ‌ها و نظرهای دریافتی صورت می‌گیرد (علیدوستی، ۲۰۰۶)؛ بنابراین در این

1. content analysis

2. delphi

3. semi-structured interview

4. credibility

5. dependability

6. confirmability

7. transferability

8. content validity ratio (CVR)

می‌شود، اما آن‌ها آزادند پاسخ خود را به هر طریقی که مایلند ارائه دهند و مسئولیت رمزگردانی پاسخ‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها بر عهده پژوهشگر است. در این پژوهش مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته در حین اجرا ضبط و سپس نگاشته شده و به صورت متن درآمدند. ابتدا این متون چندین بار خوانده شد تا درکی کلی از آن حاصل شود. سپس تمام جمله‌های معنادار استخراج و تحت عنوان جمله‌های کلیدی یادداشت شدند. در گام بعد به هر کدام از داده‌های معنایی یا مجموعه‌ای از چند داده معنایی یک کد یا برچسب اختصاص داده شد. کوربین و اشتراوس (۱۹۹۰) معتقدند پژوهشگر می‌تواند از سه منبع برای نام‌گذاری کدهای خود استفاده کند: مجموعه مفاهیمی که در رشته یا حوزه مربوطه وجود دارد، کلمه‌ها و اصطلاحاتی که متخصصان حوزه مربوطه از آن‌ها استفاده می‌کنند و عبارت‌هایی که شرکت‌کنندگان در پژوهش از آن‌ها استفاده می‌کنند. پس از کدگذاری تمام داده‌ها، آن‌ها بر اساس اشتراکاتی که با یکدیگر داشتند، تحت یک طبقه درآورده شده و مجدداً طبقات بر اساس اشتراکات تحت عنوان یک تم یا درون‌مایه تلخیص و طبقه‌بندی شدند.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش در دو بخش نتایج تحلیل محتوا و شواهد استحکام داده‌ها به صورت مجزا ارائه می‌شود:

نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده با والدین و متخصصان منجر به استخراج کدهای باز، مقوله‌ها یا طبقه‌ها و درون‌مایه‌های اصلی حرمت خود کودکان شد. طی گام اول (کدگذاری)، واحدهای معنایی استخراجی از متن مصاحبه‌ها به کدهای اولیه تبدیل شدند. کدهای اولیه بر اساس شباهت در مقوله‌ها جای گرفتند و مقوله‌ها به درون‌مایه‌های اصلی تعلق گرفتند. این فرایند منجر به استخراج ۱۴ طبقه و ۳ درون‌مایه شد. در جدول ۲ زیرطبقات، طبقات و درون‌مایه مستخرج از تحلیل محتوا ارائه شده است. درون‌مایه‌های اصلی بیانگر این مسئله بودند که حرمت خود متأثر از سه میراث است: میراث خویشتن^۱، میراث رابطه^۲ و میراث خانواده^۳.

تحلیل و اشباع کامل یعنی نرسیدن به هیچ طبقه و زیرطبقه و مفهوم جدید حاصل شد.

۲) والدین اصفهانی که کودک ۵ تا ۹ سال داشتند: ۵ مهد کودک و ۳ دبستان از مناطق مختلف اصفهان که حاضر به همکاری بودند، انتخاب شدند و مدیران این مهدها و دبستان‌ها از اولیای دانش‌آموزان برای شرکت در این پژوهش دعوت کردند و لزوماً چیزی در مورد هدف پژوهش به آن‌ها گفته نشد (گفته شد پژوهشی در مورد سلامت روانی کودکان و خانواده‌ها در جریان است). به این والدین وعده دادند می‌توانند در یک سخنرانی رایگان در حیطه سلامت روانی کودکان پس از انجام مصاحبه شرکت کنند؛ بنابراین این نمونه نیز به صورت در دسترس، اما با تلاش زیاد برای انجام سه سوپیه‌سازی^۱ در شرکت‌کنندگان (انتخاب والدین ناهمگن از لحاظ شغلی و تحصیلی و منطقه‌ای) انتخاب شد. مصاحبه‌ها با آن‌ها تا جایی ادامه یافت که ملاک تکمیل حجم نمونه یعنی اشباع پژوهشگر شد. در واقع بعد از مصاحبه با ۳۰ والد و تحلیل این مصاحبه‌ها با وجود تمام ریزبینی‌های صورت گرفته هیچ اطلاع جدیدی حاصل نشد.

مصاحبه نیمه‌ساختاریافته. این مصاحبه ابزاری سودمند و کارآمد برای گردآوری داده‌های عمیق است و اگر به خوبی انجام شود اطلاعات ارزشمند و سودمندی در اختیار پژوهشگران حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی قرار می‌دهد. مصاحبه بر اساس میزان ساختاریافتگی به سه دسته بدون ساختار، نیمه‌ساختاریافته و ساختاریافته تقسیم می‌شود. با توجه به اینکه روایی پژوهش کیفی مشروط به این است که روش‌ها، رویکردها و فنون با یکدیگر مرتبط باشند (هومن، ۲۰۱۵) و با در نظر گرفتن این نکته که هدف این پژوهش دستیابی به داده‌های عمیق برای توصیف پدیده است، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته یکی از معمول‌ترین انواع مصاحبه است که در پژوهش‌های کیفی اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مصاحبه که گاه به آن مصاحبه عمیق هم می‌گویند، از تمام پاسخ‌دهندگان پرسش‌های مشابهی پرسیده

زیرطبقات، طبقات و درون مایه مستخرج از تحلیل محتوا	
زیر طبقه	طبقه
خلق و خوی دشوار	خلق و خو
خلق و خوی آسان	
خلق و خوی دیرجوش	
اختلال‌های جسمی همراه	اختلال‌های همراه
مشکلات ژنتیکی	
ساختارهای مغز	عوامل زیستی
بیوشیمی	
درون‌ریزی	سبک تجربه هیجان
برون‌ریزی	
اجتناب از محرک	
خطاهای شناختی	سبک تفکر
خطاهای فراشناختی	
دوسوگرایی	سبک دلبستگی
اجتناب	میراث رابطه
پذیرش	
سرکوب	سبک پاسخگویی
نادیده‌انگاری	والدین به هیجان
سرایت هیجانی	
اعتباربخشی	
تعامل مثبت	زمان با کیفیت
آموزش غیر مستقیم جذاب	
سخت‌گیری	سبک والدگری
سهل‌گیری	
اقتدار	
حساسیت	خلق والدین
بی‌ثباتی	میراث نظام
جنجالی	رابطه والدین با یکدیگر
سرد	
الگوی هیجان‌های شدید بدون نظم‌جویی	مدل دهی والدین
الگوی سالم نظم‌جویی هیجان	
الگوی سرکوبی هیجان	
الگوی انزوا	
پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها	نظام خانواده
خواهر و برادرها	
ناهماهنگی تربیتی	
هم‌سن و سال‌ها	نظام اجتماع
مدرسه و کادر مدرسه	
حمایت اجتماعی	
رسانه‌ها	

۱. میراث خویشتن

میراث خویشتن توصیف‌کننده عوامل تأثیرگذاری است که به شدت با شخصیت و منابع درونی^۱ فرد پیوند خورده است، حال این پیوند یا از زمان تولد و قبل از آن یا در نتیجه اکتساب‌ها در سال‌های ابتدایی زندگی شکل گرفته است، اما هر آنچه هست گویی جزئی از خویشتن شده است (تاکاکس و دیگران، ۲۰۲۰)؛ برای مثال کودک با خلق‌وخوی معین، ساختار مغزی مشخص اگرچه انعطاف‌پذیر و قابل تغییر، ژنتیک، بیماری‌های ژنتیکی یا مادرزادی و بیوشیمی (سطوح هورمون‌ها و انتقال‌دهنده‌های عصبی) مشخص متولد می‌شود و این‌ها با خویشتن کودک عجین است (یورنت، چئونگ و دیولی، ۲۰۱۸). وقتی سخن از میراث خویشتن گفته می‌شود، به هیچ‌وجه غیرقابل تغییر بودن میراث مدنظر نیست، بلکه مدنظر آنچه است که کودک آن را چون ظرفی برای دریافت داده‌های محیطی با خود به همراه می‌آورد و یا همان استعداد و آسیب‌پذیری خاصی که هر کودک دارد. میراث خویشتن دربرگیرنده عوامل زیر است:

الف: خلق و خو

از خلق و خو به‌عنوان تفاوت‌های فردی نسبتاً پایدار و زود ظاهرشونده در واکنش‌پذیری^۲ و تنظیم شدن^۳ یاد می‌شود (تاکاکس و دیگران، ۲۰۲۰). به‌نظر می‌رسد بهترین طبقه‌بندی به‌دست‌آمده از خلق و خو در این پژوهش هم‌خوان با نظریه توماس و چس (۱۹۷۷) باشد. جمله آزمودنی شماره ۱۴ گواهی بر این ادعا است: «به دنیا که اومد کولیکی بود، اصلاً خواب نداشت، بیچاره‌مون کرده بود، اصلاً نمی‌خواهم به اون روزا فکر کنم، این بچه از همون به دنیا اومدنش همه ش جیغ می‌زد، مثل بچه روانی‌ها بود» (خلق و خوی دشوار).

ب: اختلال‌های همراه^۴

مطابق با تحلیل محتوای صورت گرفته، مشخص شد کودکانی که با اختلال متولد می‌شوند یا اختلال‌هایی زودرس دارند، خواه این اختلال جسمانی یا روان‌شناختی باشد، در معرض آسیب هستند. اختلال‌های جسمانی و روان‌شناختی می‌تواند پایه‌های حرمت خود کودک را متأثر از نگاه دیگران و نگاهی که

1. internal resources
2. reactivity

3. regulation

4. concomitant disorders

فراشناختی برایش قائل هست مثلاً کودکی مراجع بود که می گفت اگر خودم رو سرزنش نکنم، تلاش نمی کنم» (خطاهای فراشناختی).

۲. میراث رابطه

اگرچه اتصال فیزیکی نوزاد در لحظه تولد، با قطع بندناف، از مادر گسسته می شود، اما بند ناف روان شناختی اش تا ماه ها و گاه سال ها به مادر متصل است (تاکاکس و دیگران، ۲۰۲۰). او شناختی از خود، نیازها، برانگیختگی ها و جهان پیرامونش ندارد. نوزاد، خود و جهان را از چشم والدین خواهد دید و این گونه خود و جهان را معنا خواهد کرد (بین کوآرت و دیگران، ۲۰۱۹). میراث رابطه یعنی هر آنچه که رابطه با والدین برای حرمت خود کودک به ارمغان می آورد.

الف: سبک دلبستگی

منبع دلبستگی به عنوان فردی که کودک، خود و ارزشمندی خود را در آینه او می بیند، با نوع مداخله ای که در فعالیت های کودک دارد در حرمت خود او مؤثر هستند (لیو و دیگران، ۲۰۱۸). متخصص شماره ۹ اذعان داشت: «کودک اجتنابی، حس می کند در برابر دنیای به این بزرگی تنها و ضعیفه و باید همیشه بهتر و بهتر باشه و شاید هیچ وقت کافی نیست و کودک دوسوگرا هم ارزشمندی خودش رو وابسته به دیگران می بینه» (اجتناب و دوسوگرایی).

ب: سبک پاسخگویی والدین به هیجان

والدین متأثر از سبک دلبستگی خود، سبک والدگری، شرایط خلقی و زناشویی پاسخ های متفاوتی به هیجان های کودک خود می دهند که هم در نظم جویی آن ها بی تأثیر نیست و هم در نگرشی که کودک از خود خواهد ساخت (بورلی و دیگران، ۲۰۱۹). آزمودنی شماره ۱۶ بیان داشت: «بهش میگم مثل حیوان های وحشی میشی... می خوی حیوان بازی دربیاری، بیار» (سرایت هیجانی). این جمله با اشاره بر نقش سبک پاسخگویی به هیجان نشان می دهد گاهی کودکان به خاطر نارسایی در نظم جویی هیجانی شان (پرخاشگری، ناخن جویدن، شب گردی و...) برچسب هایی می خورند که این برچسب ها پایه های حرمت خود آن ها را متزلزل می سازد.

کودک به خودش دارد، بلرزاند (اورث، ۲۰۱۷). در این باره آزمودنی شماره ۱۳ اذعان می دارد: «حرف که می زنه دائم دست هاش رو زیر لباسش پنهون می کنه تا کسی انگشت هاش رو نبینه...» (اختلال های جسمانی).

پ: عوامل زیستی

تحت تأثیر ژنتیک، دوران بارداری و لحظات تولد و محیط اولیه ای که کودک در آن پرورش می یابد، کودکان ساختارهای مغزی و بیوشیمی (هورمون ها و انتقال دهنده های عصبی) متفاوتی دارند (بورنت و دیگران، ۲۰۱۸). بنابراین عوامل زیستی نیز میراثی است که با خویشتن کودک عجین است، میراثی که می تواند او را نسبت به محیط آسیب پذیر سازد. متخصص شماره ۶ می گوید: «به جز بحث یادگیری، حتما باید به دنبال علت هایی باشیم که نشان می دهد چرا مادری که حرمت خود پایینی دارد، بعيد است که کودکی با سطح مطلوب حرمت خود داشته باشد.

چیزی شبیه ژنتیک یا ارث» (مغز و بیوشیمی)

ت: سبک تجربه هیجان

منظور از سبک تجربه هیجان، چیزی است که کودکان در برخورد با محرک های هیجان آور انجام می دهند (بکیر و مک استی، ۲۰۱۷). در نتیجه مصاحبه ها مشخص شد کودکان یا از محرک های مربوطه اجتناب یا هیجان خود را درون ریزی می کنند یا اصطلاحاً این هیجان ها را با معطوف کردن به محیط بیرونی، برون ریزی می کنند. آزمودنی شماره ۱۷ اذعان می دارد: «چون این طوری جیغ می زنه، بچه ها هم توی بازی راهش نمی دهند و داره روی اعتماد به نفسش اثر می گذاره» (درون ریزی).

ث: سبک تفکر

نوع تفکر، چارچوب های فکری که از طریق آن دنیا را می نگریم و خطاهای شناختی و فراشناختی بدون تردید می تواند حرمت خود را متأثر سازد. کافی است متصور شویم که کودکی که اسناددهی شخصی پایداری^۱ دارد، ممکن است هر مشکلی را به خودش و شخصیت خودش ربط بدهد و دچار خودبرچسب زنی شود. خطاهای فراشناختی نیز کودک را متأثر می سازد (کلوبینسکی و دیگران، ۲۰۱۹). در این رابطه متخصص شماره ۳ بیان می کند.

د: «گاهی کودک به یک فکر می چسبه چون مزایای

پ: زمان با کیفیت

داشتن زمان‌هایی که در آن کودک مورد توجه والدین است و تعامل خوب آن‌ها به بیشینه خود می‌رسد، به شدت به او احساس خودارزشمندی و ایمنی می‌دهد. اینکه مهم‌ترین فرد زندگی کودک نسبت به او مشتاق و کنجکاو است و از تعامل با او لذت می‌برد، به کودک نشان می‌دهد، ارزشمند است (روبی، روسا و گونزالز، ۲۰۰۲). همچنین آموزش‌هایی که به شکل غیرمستقیم حرمت خود او را تقویت می‌سازد می‌تواند مؤثر باشد. در این راستا آزمودنی شماره ۲۵ بیان داشت: «علی قبلش ممکن است بدقلق و بداخلاق باشد، اما بعد از بازی بسیار خوش خلق تر می‌شود» (تعامل مثبت).

ت: سبک والدگری

والدگری فرایند پرورش دادن فرزندی است که حرمت خود جزیی از اوست. والدین بر اساس اعتقاد، خلق و شرایطشان گاهی به سمت والدگری‌های کاملاً سخت‌گیرانه می‌روند. از سوی دیگر برخی از والدین محدودیت گذاشتن را ظلم به کودکان‌شان می‌دانند و اگر بخواهند برای او محدودیتی قایل شوند، با احساس گناه شدیدی مواجه می‌شوند (بین کوارت و دیگران، ۲۰۱۸). آزمودنی شماره ۲۳ بیان می‌دارد: «با خودم می‌گم من که خیلی برایش وقت نمی‌گذارم، حداقل ادیتش هم نکنم با بکن، نکن‌هام» (سهل‌گیری).

۳. میراث نظام

خانواده‌ای که کودک چشم در آن می‌گشاید، متشکل از افراد زیادی است که نوزاد را وارد نظامی می‌سازند که این نظام کارکرد خود را خواهد داشت و هیچ کودکی نیست که بتواند کاملاً خود را از این نظام جدا کند. بی‌تردید تعامل کودک با این نظام دوسویه است؛ برای مثال کودک دشوار، کم‌صبری و پرخاش بیشتری را در نظام فراخوانی می‌کند یا حتی با برهم زدن نظم خانواده، رابطه زوجین را مختل می‌سازد. بنابراین کودک هم از این نظام تأثیر می‌گیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد (کوا، داویس و استارگاپل، ۲۰۱۷). اما نظامی که کودک را دربرمی‌گیرد صرفاً متشکل از خانواده نیست، بلکه پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و تدریجاً مدرسه و هم‌سن و سال‌ها و رسانه‌ها نیز جزء مهمی از این نظام می‌شود.

الف: خلق والدین

والدین نیز قبل از این که والد باشند، انسان هستند، با خلق‌هایی متفاوت و گاهی همراه با اندکی نوسان. اما به نظر می‌رسد زمانی که کیفیت خلق از محدوده سالم عدول می‌کند، مشکلاتی در مراقبت از خود، مراقبت از کودک و روابط خانوادگی بروز می‌کند (لیسکولا، راسکا، لپنلیمو و الوواینو، ۲۰۱۸). آزمودنی شماره ۶ بیان کرد: «بعد این که کم‌د افتاد رو دستم، همه‌اش دارم گریه می‌کنم، طرفم میاد جیغ می‌کشم» (حساسیت).

ب: رابطه والدین با یکدیگر

فضای هیجانی خانواده به شدت متأثر از رابطه والدین است و می‌تواند سرد یا متشنج شود (کراس و دیگران، ۲۰۱۹). آن‌گونه که آزمودنی شماره ۱۵ بیان کرد: «کلاً زیاد با باباش حرف نمی‌زنیم... باباش دیر به دیر میاد، وقتی هم میاد زیاد کاری به هم نداریم. منم بیشتر توی مؤسسه هستم. تقریباً جدا هستیم» (سرد).

پ: مدل‌دهی والدین

والدین خود الگویی زنده برای چگونگی ادراک موضوعات هستند که به دلیل تأثیر زیادی که کودکان از والدین‌شان می‌گیرند، این الگوهی هم خواه‌ناخواه مؤثر می‌افتد (بوئر، چمبر، امسی‌گراس، لولوردو و اوهر، ۲۰۱۷). آزمودنی شماره ۷ بیان داشت: «منم خودم خجالت می‌کشم... توی جمع‌ها خیلی نمی‌تونم حرف بزنم» (الگوی عدم ابراز).

ت: نظام خانواده

خواهر و برادرها، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و سایر افرادی که در نظام خانواده نقش دارند، این نظام را متأثر می‌سازند و کودک نیز بی‌تأثیر نخواهد ماند (دیتِر- دکارد، ۲۰۱۸). آزمودنی شماره ۵۳ اذعان داشت: «خواهرش... اونم می‌خواد تربیتش کنه. هرقدرم بهش می‌گم فقط من مسئول تربیت تابان هستم باز هم حرف گوش نمی‌کنه... نمیدونم. حقم داره نوجوونه» (خواهر و برادرها).

ث: نظام اجتماع

جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، اهمیت بسیار زیادی دارد. در سنین مدرسه، معلمان نیز منبع دلبستگی کودک می‌شوند و نگاه او به خودش را به شدت متأثر می‌سازند (کراسی)

متخصصی است که به طبقه با گزینه ضروری است، پاسخ داده‌اند و N تعداد کل افراد متخصص است.

$$CVR = \frac{n - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

نهایتاً نسبت روایی محتوایی به دست آمده با جدول لاوشه (۱۹۷۵) مقایسه شد. چنانچه مقدار محاسبه شده از مقدار جدول بیشتر بود، روایی محتوا برای طبقه مدنظر تأیید می‌شد؛ به عبارتی وجود طبقه برای درون مایه مزبور، ضروری و مهم تلقی می‌شد. با توجه به این که گروه متخصصان متشکل از ۱۲ نفر بود، تنها طبقاتی حداقل میزان روایی را داشتند که نسبت روایی محتوایی آن‌ها بزرگتر از ۰/۵۶ باشد.

جدول ۴

نسبت روایی محتوایی هر طبقه

درون مایه‌ها	طبقات	CVR	رد/تأیید
شخصیت	خلق و خوی کودک	۱	تأیید
(میراث خویشتن)	اختلال‌های همراه	۰/۵۰	رد
	سبک تجربه هیجان کودک	۰/۸۳	تأیید
	سبک تفکر کودک	۱	تأیید
	عوامل زیستی	۰/۸۳	تأیید
میراث ارتباط	سبک دلبستگی	۰/۸۳	تأیید
(رابطه والد- کودک)	سبک پاسخگویی والدین به هیجان	۰/۸۳	تأیید
	زمان با کیفیت	۱	تأیید
	سبک والدگری	۱	تأیید
میراث نظام	خلق والدین	۰/۸۳	تأیید
	رابطه والدین با یکدیگر	۰/۸۳	تأیید
	مدل دهی والدین	۰/۶۶	تأیید
	نظام خانواده	۱	تأیید
	نظام اجتماع	۱	تأیید

اختلال‌های همراه با نسبت روایی محتوایی ۰/۵۰ حداقل مورد نیاز برای تأیید ضرورت این طبقه برای درون مایه مورد نظر (میراث خویشتن) را ندارد. این مسئله متأثر از این نظر متخصصان بوده است که وقتی سخن از مغز و بیوشیمی به میان می‌آید، هر اختلالی به این واسطه تأثیر خود را اعمال می‌کند و

و دیگران، ۲۰۱۷). در این رابطه والد شماره ۵۵ اذعان کرد: «خیلی روی معلمش حساس شده، هر روز میاد گریه می‌کنه می‌گه معلم فلان حرف رو بهم زد» (مدرسه).

شواهد استحکام داده‌ها

برای ارزیابی روایی محتوایی از نظر متخصصان در مورد میزان هماهنگی طبقات با درون مایه‌ها از دو روش کیفی و کمی استفاده شد. در بررسی کیفی محتوا، متخصصان صاحب نظر پس‌خوراند لازم را در ارتباط با طبقه‌بندی ارائه دادند و مطابق نظر لینکلن و گوبا (۱۹۸۶) از چهار معیار اعتبار، تأییدپذیری، قابلیت اعتماد و انتقال‌پذیری استفاده شد که بر اساس آن موارد لازم اصلاح شد. برای اطمینان از این معیارها رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهشی به شرکت‌کنندگان (صاحب‌نظران) داده شد تا ببینند که آن‌ها با یافته‌های پژوهشگر موافق‌اند یا مخالف. به علاوه، در قسمت‌های مختلف پژوهش، پژوهشگر با آزمودنی‌ها درگیر مانده و یافته‌ها را با آن‌ها به اشتراک گذاشت. در این پژوهش از اجماع سه‌سویه استفاده شد. اجماع داده‌ها به این شکل بود که از گروه صاحب‌نظران و والدین در مناطق مختلف استان اطلاعات جمع‌آوری شد و اجماع نظریه‌ها براساس مفهوم‌سازی از دیدگاه‌های مختلف از جمله شناختی، رفتاری و دلبستگی و غیره صورت گرفت. رونوشت‌های مصاحبه و روند کدگذاری‌ها به چندتن از متخصصان و تحلیل‌گران کیفی برای بررسی روند کدگذاری ارائه شد و اصلاحات لازم صورت پذیرفت تا سه‌سویه‌سازی کدگذاران نیز پژوهشگر شده باشد. شرح جزئیات و توضیح دقیق مراحل احراز داده‌ها و نشان دادن دقیق مسیر رسیدن به یافته‌ها از داده‌ها و همچنین استفاده از آگاهی‌دهندگان کلیدی، بررسی‌های خود اعضا و نتیجه‌گیری‌های اشخاص ثالث نیز انجام شد.

اما برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، نسبت روایی محتوایی محاسبه و مقدار حاصله در جدول ۴ ارائه شده است. برای تعیین نسبت روایی محتوایی از گروه متخصصان درخواست شد تا هر طبقه را بر اساس طیف سه‌قسمتی (ضروری است، مفید است اما ضروری نیست، ضرورتی ندارد) بررسی کنند. سپس پاسخ‌ها بر اساس فرمول زیر محاسبه شد که در آن n تعداد افراد

بنابراین ضرورتی برای وجود طبقه جداگانه اختلال‌های دوران کودکی به میان نمی‌آید. سایر طبقات حداقل نسبت روایی محتوایی مورد نظر را دارند و روایی محتوایی آن‌ها محرز است.

بحث

یافته‌های این پژوهش در مجموع حاکی از آن بود که با توجه به نظر والدین و متخصصان، حرمت خود در کودکان ایرانی از سه درون‌مایه اصلی خویشتن، رابطه و نظام تأثیر می‌پذیرد. درون‌مایه خویشتن شامل ۵ طبقه خلق‌و‌خو، اختلال‌های همراه، عوامل زیستی، سبک تجربه هیجان و سبک تفکر است، درون‌مایه رابطه شامل ۴ طبقه سبک دلبستگی، سبک پاسخگویی والدین به هیجان، زمان با کیفیت و سبک والدگری است و همچنین درون‌مایه نظام شامل ۵ طبقه خلق والدین، رابطه والدین با یکدیگر، مدل‌دهی والدین، نظام خانواده و نظام اجتماع است.

منظور از خویشتن عواملی است که جزیی از تار و پود فرد شده است و می‌تواند ذاتی یا اکتسابی باشد؛ برای مثال ژنتیک، مسائل زیستی و خلق‌و‌خو تا حد زیادی ذاتی است اما به دو شکل می‌تواند حرمت خود کودک را متأثر سازد.

الف) تأثیر مستقیم: به نظر می‌رسد حرمت خود در برخی خانواده‌ها به‌طور کلی پایین است و این موضع فراتر از آن است که صرفاً بتوان آن را به یادگیری نسبت داد. نیس و دیگران (۲۰۰۶) بیان کردند که ژنتیک هم روی سطح و هم روی پایداری حرمت خود اثرگذار است. پژوهشگرانی مانند رایبیز و دیگران (۲۰۱۰) به نقش خلق‌و‌خو در حرمت خود اشاره کرده‌اند. ب) تأثیر غیرمستقیم: طبقات میراث خویشتن نوعی آثار فراخوانشی دارند که می‌تواند آثار میراث‌های رابطه و نظام را افزایش دهند؛ برای مثال تاکاکس و دیگران (۲۰۲۰) بیان می‌دارند یک عامل زمینه‌ای مهم که باید در رشد پیوند مادر و فرزند مورد توجه قرار گیرد، خلق‌و‌خوی کودک است. مدت‌هاست که بر نقش کودکان در شکل دادن به محیط خود (از جمله رفتار والدین) تأکید و ثابت شده است که منفی بودن خلق کودک، می‌تواند عملکرد هیجانی مادر را مختل کند و منجر به عملکردهای کمتر مطلوب در تربیت شود. همچنین وقتی

کودکان طرز تفکر تحریف‌شده‌ای دارند، احتمال این وجود دارد اطرافیان‌شان رفتارهایی را فراخوانی کنند که سبک تفکر کودک را تأیید می‌کند.

کودک در دامن رابطه پرورش می‌یابد. رابطه‌ای که با کودک برقرار می‌شود، در شکل‌گیری مدل‌های کاری درونی او (مطابق با نظریه دلبستگی) مؤثر است. یک ضلع از این مدل‌های کاری، احساس و باوری است که کودک در مورد ارزشمندی خودش دارد. فرض بر آن است احساس کلی حرمت خود کودک صرفاً از دامنه‌های خاص خودارزیابی تکامل نمی‌یابد، بلکه در اثر تجربه‌های اولیه در روابط مهم بین فردی شکل می‌گیرد. این ادعا نوعی مدل شکل‌گیری حرمت خود است که ریشه‌های خود را در طیف متنوعی از دیدگاه‌های نظری، از جمله نظریه دلبستگی (بالبی، ۱۹۶۹) و تعاملی‌نگری نمادین (کولی، ۱۹۰۲؛ مید، ۱۹۳۴) دارد. نظریه دلبستگی نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن منجر به ایجاد یک الگوی مثبت درونی از «خود» می‌شود، یعنی نمایانگر «خود» ارزشمند است و شایسته عشق و مراقبت از سوی دیگر نزدیکان است. حتی اگر کودکان در ۴ یا ۵ سالگی نتوانند احساسات کلی خود را درباره ارزشمندی «خود» به‌طور شفاهی بیان کنند، حرمت خود کودکان ممکن است بازتاب خودکار و ناهشیاری از کیفیت تجربه‌های آن‌ها با مراقبان اولیه‌شان باشد (اورث و رایبیز، ۲۰۱۹). به همین ترتیب تعاملی‌نگری نمادین نشان می‌دهد که تجربه‌های روابط کودکان با والدین و «سایر افراد مهم» بر حرمت خود آن‌ها تأثیر می‌گذارد (کولی، ۱۹۰۲ نقل از اورث و رایبیز، ۲۰۱۹). به‌طور خاص، مراقبان اولیه ما مانند «آینه‌ای» به‌نظر می‌رسند که تصویری از خودمان را انعکاس می‌دهد، سپس این تصویر درونی و اساسی برای حرمت خود می‌شود. نظریه‌های دلبستگی و تعاملی‌نگری نمادین هر دو این دیدگاه را تأیید می‌کنند که نخستین تجربه‌های اجتماعی و ارتباطی در گسترش گرایش کلی کودک برای احساس ارزشمندی و بی‌ارزشی حیاتی است.

انسان‌ها تنها نیستند، بلکه جزیی از یک نظام هستند که از آن تأثیر می‌گیرند و بر آن تأثیر می‌گذارند. دیدگاه نظام‌های خانواده، خانواده را همچون موجودی زنده تلقی می‌کند، اهمیت پژوهش درباره آن را به‌عنوان یک کل برجسته می‌کند و پژوهش

آن‌هاست. برای مثال در این پژوهش از ابزارهای پژوهش‌های کیفی در روان‌شناسی کودک مانند مشاهده استفاده نشد. مشاهده عمیق و نیمه‌ساخت‌یافته رابطه والد- کودک و کدگذاری مشاهده‌ها در کنار مصاحبه‌ها می‌تواند اطلاعات بسیار جامعی را درباره عوامل مؤثر بر حرمت خود کودک به دست دهد. توصیه می‌شود بر اساس نتایج تحلیل محتوا در این پژوهش، مشاهده نیمه‌ساخت‌یافته ترتیب داده شده و رابطه والد- کودک از لحاظ عوامل کاهنده حرمت خود کودک بررسی شود. تحلیل محتواهای جامع‌تر مانند تحلیل محتوای متون روان‌شناسی به‌منظور یافتن عوامل مؤثر بر حرمت خود کودکان نیز پیشنهاد می‌شود. همچنین یافته‌های این پژوهش امکان خوبی را برای طراحی بسته‌های مداخله‌ای فراهم می‌کند. بنابراین توصیه می‌شود بسته‌های طراحی شود که عوامل کشف شده در این پژوهش را هدف قرار داده و به این واسطه به ارتقای حرمت خود کودکان کمک کنند. والدین شرکت‌کننده در این پژوهش والدین کودکان ۵ تا ۹ ساله بودند (زیرا بر اساس ادبیات پژوهش در این سن تغییرات حرمت خود مشهودتر است)، که این محدودیت می‌تواند تعمیم‌پذیری نتایج را محدود سازد. پیشنهاد می‌شود این بررسی برای دوره اول کودکی نیز انجام شود.

منابع

- Ackerman, R. A., Witt, E. A., Donnellan, M. B., Trzesniewski, K. H., Robins, R. W., & Kashy, D. A. (2011). What does the narcissistic personality inventory really measure? *Journal of Assessment*, 18(1), 67-87.
- Alidousti, S. (2006). Delphi method: Basics, steps and examples of application. *Management and Development Quarterly*, 21(8), 221-228. [In Persian].
- Attaran, N., & Mohamadi, N. (2018). The mediating role of self-esteem in the relationship between attachment orientations and psychological adjustment. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 15(58), 139-151. [In Persian].
- Au, A., & Gunzenhauser, C. (2017). Developing minds: Self-regulation in children and adolescents across the globe. *PsyCh Journal*, 6(1), 5-7.
- Bakir, V., McStay, A. (2017). Fake News and The

بخش‌هایی از آن را به شکل مجزا ناقص می‌داند (دیترا- دکارد، ۲۰۱۸). پژوهش‌های اورث (۲۰۱۷) نشان داده است کیفیت محیط خانه تا حدی تأثیر سایر ویژگی‌های محیط خانواده در دوران کودکی، مانند کیفیت روابط والدین، افسردگی مادران و فقر را به خود اختصاص داده است. این یافته‌ها حاکی از آن است که محیط خانوادگی در اوایل کودکی تفاوت شکل‌گیری حرمت خود افراد را توضیح می‌دهد. همسالان نیز بر حرمت خود کودکان مؤثرند زیرا طرد توسط همسالان می‌تواند هیجان‌های بسیار منفی را در کودکان ایجاد کند و حرمت خود آن‌ها را کاهش دهد و این یافته همسو با یافته‌های قبلی مرتبط با رابطه بین حرمت خود و حمایت همسالان (گروئنفلدر- استایگر و دیگران، ۲۰۱۶؛ واگنر و دیگران، ۲۰۱۸) یا حمایت خانواده (بروملمن و دیگران، ۲۰۱۵؛ اورث، ۲۰۱۸) است. مدرسه نقش مهمی در شکل‌گیری حرمت خود دارد زیرا براساس نظریه اریکسون (۱۹۶۸) در این زمان، کودک وارد مرحله سازندگی در برابر کهتری می‌شود و دوست دارد از نظر اجتماعی فردی شایسته به نظر برسد و اگر این اتفاق رخ ندهد، حرمت خود او متأثر می‌شود. افزون بر خانواده، همسالان و مدرسه، امروزه رسانه‌ها نیز به شدت کودکان را درگیر کرده‌اند و بدیهی است که بسیاری از انیمیشن‌ها الگوهای عجیب ارائه می‌دهند که خودارزشمندی را با قدرت زیاد و حتی خشونت‌های عجیب پیوند می‌زند.

در این پژوهش، مصاحبه با والدین و متخصصان نشان داد حرمت خود کودکان ایرانی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل است می‌توان آن‌ها در سه طبقه جای داد: میراث خویشتن که در برگیرنده عواملی است که به‌صورت ذاتی، ژنتیکی یا اکتسابی اکنون جزیی از ظرفیت کودک شده است و او را آسیب‌پذیر می‌سازد. میراث رابطه شامل عواملی است که در دل رابطه والد- کودک جای می‌گیرد و حرمت خود او را متأثر می‌سازد. والدین و متخصصان به کرات به موضوع‌های رابطه‌ای اشاره داشتند که بی‌تردید آن اشارات در دل میراث رابطه جای می‌گرفت و میراث نظام شامل هر چیزی است که کودک را به‌عنوان نظام در برگرفته است و روی او اثرگذار است.

محدودیت ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش (به علت زمان‌گیری و هزینه‌بر بودن پژوهش‌های کیفی) از مهم‌ترین

- Mead, G. H. (1934). *Mind, self and society from the standpoint of a social behaviorist*. Chicago: University of Chicago Press.
- Corbin, J., & Strauss, A. (1990). Grounded theory research: Procedure and evaluative criteria. *Qualitative Sociology*, 13(3), 3-21.
- Crosby, Sh. D., Somers, Ch. L., Day, A. G., Zammit, M., Shier, J., & Baroni, B. (2017). Examining school attachment, social support, and trauma symptomatology among court-involved, female students. *Journal of Child and Family Studies*, 26(3), 2539-2546.
- Deater-Deckard, K. (2017). Parents' and children's ADHD in a family system. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 45(1), 519-525.
- Donnellan, M. B., Trzesniewski, K. H., & Robins, R. W. (2011). Self-esteem: Enduring issues and controversies. In T. Chamorro-Premuzic, S. von Stumm & A. Furnham (Eds.), *The handbook of individual differences* (pp. 113-128). Chichester, UK: Wiley-Blackwell.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity, youth and crisis*. New York, NY: Norton.
- Gonzalez-Diez, Z., Calvete, E., Riskind, J. H., & Orue, I. (2015). Test of a hypothesized model of relationships between cognitive style and social anxiety: A 12-month prospective study. *Journal of Anxiety Disorders*, 30(6), 59-65.
- Gruenenfelder-Steiger, A. E., Harris, M. A., & Fend, H. A. (2016). Subjective and objective peer approval evaluations and self-esteem development: A test of reciprocal, prospective, and long-term effects. *Developmental Psychology*, 52(10), 1563-1577.
- Harris, M. A., Donnellan, M. B., Guo, J., McAdams, D. P., Garnier-Villarreal, M., Trzesniewski, K. H. (2017). Parental co-construction of 5-13-year-olds' global self-esteem through reminiscing about past. *Child Development*, 88(6), 1810-1822.
- Harter, S. (2006a). The development of self-esteem. In M. H. Kernis (Ed.), *Self-esteem issues and answers: A sourcebook of current perspectives* (pp. 144-150). New York, NY: Psychology Press.
- Harter, S. (2006b). Developmental and individual Economy of Emotions: Problems, causes, solutions. *Journal of Digital Journalism*, 6(2), 154-175.
- Bleidorn, W., Arslan, R. C., Denissen, J. J. A., Rentfrow, P. J., Gebauer, J. E., Potter, J., & Gosling, S. D. (2016). Age and gender differences in self-esteem: A cross-cultural window. *Journal of Personality and Social Psychology*, 111(3), 396-410.
- Boerner, K. E., Chambers, C. H. T., McGrath, P. J., LoLordo, V., & Uher, R. (2017). The effect of parental modeling on child pain responses: The role of parent and child sex. *The Journal of Pain*, 18(6), 702-715.
- Borelli, J. L., Smiley, P. A., Burkhart Kerr, M., Hong, K., Rasmussen, H. F., Buttitta, K. V., & West, J. L. (2019). A multimethod assessment of associations between parental attachment style and school-aged children's emotion. *Journal of Child and Family Studies*, 28(1), 152-167.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss*. Vol 1. Attachment. New York: Basic Books.
- Brummelman, E., Thomaes, S., Nelemans, S. A., Orobio de Castro, B., Overbeek, G., & Bushman, B. J. (2015). Origins of narcissism in children. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 112(12), 3659-3662.
- Burnett, A. C., Cheong, J. L. Y., & Doyle, L. W. (2018). Biological and Social Influences on the Neurodevelopmental Outcomes of Preterm Infants. *Journal of Clinics in Perinatology*, 45(3), 485-500.
- Calvete, E., Orue, I., & Hankin, B. L. (2015). A longitudinal test of the vulnerability-stress model with early maladaptive schemas for depression and social anxiety symptoms in adolescents. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 37(5), 85-99.
- Coe, J. L., Davies, P. T., & Sturge-Apple, M. L. (2017). The multivariate roles of family instability and interparental conflict in predicting children's representations of insecurity in the family system and early school adjustment problems. *Journal of Abnorm Child Psychology*, 45(2), 211-224.
- Cooley, C. H. (1902). *Human nature and the social order*. New York, NY: Charles Scribner's.

- Liskola, K. H., Lapinleimu, H., & Elovainio, M. (2018). Parental depressive symptoms as a risk factor for child depressive symptoms, testing the social mediators in internationally adopted children. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 27(1), 1585-1593.
- Magro, S., Utesch, T., Dreiska, D. Wagner. J. (2019). Self-esteem development in middle childhood: Support for sociometer theory. *International Journal of Behavioral Development*. 25(6), 250-275.
- Marshall. S. L., Parker. P. D., Ciarrochi. J., & Heaven. P. C. L. (2014). Is self-esteem a cause or consequence of social support? A 4-year longitudinal study. *Child Development*, 85(3), 1275-1291.
- Moscovitch, D. A., Rowa, K., Paulitzki, J. R., Ierullo, M. B., Chiang, B., Antony, M. M. (2013). Self-portrayal concerns and their relation to safety behaviors and negative affect in social anxiety disorder. *Journal of Behaviour Research and Therapy*, 51(2), 476-486.
- Neiss, M. B., Sedikides, C., & Stevenson. J. (2006). Genetic influences on level and stability of self-esteem. *Journal of Self and Identity*, 5(3), 247-266.
- Orth, U. (2017). The lifespan development of self-esteem. In J. Specht (Ed.), *Personality development across the lifespan* (pp. 181-195). London, UK: Elsevier.
- Orth, U. (2018). The family environment in early childhood has a long-term effect on self-esteem: A longitudinal study from birth, to age 27 years. *Journal of Personality and Social Psychology*, 114(4), 655-637.
- Orth, U., & Robins, R. W. (2014). The development of self-esteem current directions. *Journal of Psychological Science*, 23, 381-387.
- Orth, U., & Robins, R. W. (2019). Development of self-esteem across the lifespan. In D. P. McAdams, R. L. Shiner & J. L. Tackett (Eds.), *Handbook of personality development* (pp. 328-344). New York, NY: Guilford.
- Orth, U., Erol, R. Y., Ledermann, T., & Grob, A. (2018). Codevelopment of well-being and self-esteem in romantic partners: Disentangling the effects of mutual influence and shared environment. *Journal of Developmental Psychology*, 54, 151-166.
- difference perspectives on self-esteem. In D. K. Mroczek & T. D. Little (Eds.), *Handbook of personality development* (pp. 311-334). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Harter, S. (2006c). The self. In N. Eisenberg (Ed.), *Handbook of child psychology. Social, emotional, and personality development* (pp. 505-570). Hoboken, NJ: Wiley.
- Harter, S. (2012). *The construction of the self: Developmental and socio cultural foundations*. New York, NY: Guilford Press.
- Hooman, H. A. (2015). *A practical guide to qualitative research*. Tehran: Samt Publications. [In Persian].
- Keane, L., & Loades, M. (2016). Review: Low self-esteem and internalizing disorders in young people—a systematic review. *Journal of Child and Adolescent Mental Health*, 22(1), 4-15.
- Kolubinski, D. C, Marino, C., Nikčević, A. V., & Spada, M. M. (2019). A metacognitive model of self-esteem. *Journal of Affective Disorders*, 256(3), 42-53.
- Krauss, S., Orth, U., & Robins, R. W. (2019). Family environment and self-esteem development: A longitudinal study from age 10 to 16. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39(4), 121-134.
- Kuster, F., & Orth, U. (2013). The long-term stability of self-esteem: Its time-dependent decay and nonzero asymptote. *Personality and Social/Psychology Bulletin*, 39(6), 677-690.
- Lawshe. CH. A. (1975). Quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28(14), 563-575.
- Liu, C., Chen, X., Song, P., Lu, A., Wang, L., Zhang, X., Haung, Z., & Zheng, D. (2018). Relationship between childhood emotional abuse and self-esteem: A dual mediation model of attachment. *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 46(5), 793-800.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1986). But is that rigorous? Trustworthiness and authenticity in naturalistic evaluation. In D. D. Williams (Ed.), *Naturalistic evaluation: New directions for program evaluation* (pp. 73-84). San Francisco: Jossey-Bass.

- of the influence of parenting. *Journal of Family Psychology*, 16(1), 70-80.
- Sayadpour, Z. (2007). The relationship between self-esteem and attachment style. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 3(12), 321-311. [In Persian].
- Takacs, L., Smolick, F., Kaźmierczak, M., Putnam, S. P. (2020). Early infant temperament shapes the nature of mother-infant bonding in the first postpartum year. *Infant Behavior and Development*, 58(2), 201-223.
- Thomas, A., & Chess, S. (1977). *Temperament and development*. New York: Brunner/Mazel.
- Wagner, J., Lüdtk, O., Robitzsch, A., Göllner, R., & Trautwein, U. (2018). Self-esteem development in the school context: The roles of intrapersonal and interpersonal social predictors. *Journal of Personality*, 86(3), 481-497.
- Wang, S., & Aamodt, S. (2011). *Welcome to your child's brain: How the mind grows, from conception to college*. New York NY: Bloomsbury USA.
- Orth, U., Robins, R. W., & Widaman, K. F. (2012). Life-span development of self-esteem and its effects on important life outcomes. *Journal of Personality and Social Psychology*, 102, 1271-1288.
- Orth, U., Robins, R. W., Trzesniewski, K. H., Maes, J., & Schmitt, M. (2009). Low self-esteem is a risk factor for depressive symptoms from young adulthood to old age. *Journal of Abnormal Psychology*, 118, 472-478.
- Pinquart, M., & Gerke, D. C. (2019). Associations of parenting styles with self-esteem in children and adolescents: A meta-analysis. *Journal of Child and Family Studies*, 101(2), 301-323.
- Robins, R.W., Donnellan, M. B., Widaman, K. F., & Conger, R. D. (2010). Evaluating the link between self-esteem and temperament in Mexican origin early adolescents. *Journal of Adolescence*, 33(3), 403-410.
- Ruiz, S. Y., Roosa, M. W., & Gonzales, N. A. (2002). Predictors of self-esteem for Mexican American and European American youths: A reexamination